

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۸۳، بهمن ماه ۱۴۰۱

چریکهای فدایی خلق ایران چه می گویند و برای چه مبارزه می کنند؟

اساس مواضع ما:

۱- "چریکهای فدایی خلق ایران"، به مثابه یک تشکّل کمونیستی با اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم، به اردوی جهانی پرولتاریای انقلابی تعلق دارد.

۲- کمونیست های فدائی بر این باورند که جامعه ایران تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد، نیروئی که با غارت منابع طبیعی و استثمار نیروی کار در ایران، فقر و فلاکت را بر زندگی توده های تحت ستم ما تحمیل کرده است.

۳- نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر کشور، سرمایه داری وابسته به امپریالیسم می باشد و امپریالیسم از طریق این نظام، ایران را به جزئی ارگانیک از نظام امپریالیستی جهانی تبدیل کرده است.

۴- مادام که سیستم سرمایه داری وابسته در جامعه ما باقی است، هر حکومتی بر سر کار آید از لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیسم وابسته خواهد بود و امپریالیسم سلطه خود را از این کانال بر مردم ایران اعمال خواهد نمود.

۵- عامل اصلی بقای حکومت های وابسته به امپریالیسم در ایران با توجه به پایگاه بسیار محدودشان در جامعه، به طور عمده سرکوب قهرآمیز توده ها می باشد. از این رو، این حکومت ها در هر شکلی که ظاهر شوند دیکتاتوری عریان و خشن و شدیداً و وسیعاً قهرآمیز را بر کارگران و توده های تحت ستم ایران تحمیل خواهند کرد.

۶- تکیه گاه اصلی دیکتاتوری حاکم در جامعه ما، ارتش ساخته شده توسط امپریالیست ها و ضامم آن می باشد. دیکتاتوری حاکم توسط این نیروی نظامی به سرکوب قهر آمیز مبارزات توده ها پرداخته و از هر گونه تشکّل کارگران و دیگر توده های تحت ستم ایران جلوگیری می کند.

۷- انقلاب ایران تنها با رهبری مبارزات توده ها توسط طبقه کارگر متشکّل و آگاه به ایدئولوژی طبقاتی خود (مارکسیسم - لنینیسم) می تواند پیروز شود.

۸- با توجه به این که در شرایط دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر جامعه ایران، طبقه کارگر عملاً خود از امکان سازمانیابی سیاسی (و حتی صنفی) محروم گردیده است، بدیهتاً نیز نمی تواند در مسیر مبارزات صرفاً سیاسی، رهبری مبارزات توده ها را به عهده بگیرد. از این رو، خواست های اساسی توده های در بند ایران از راه مبارزه صرفاً سیاسی و نهایتاً قیام مسلحانه ناگهانی توده ای، قابل تحقق نیست.

۹- دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهرآمیز حاکم، بسط هرگونه مبارزه سیاسی را منوط به وجود و گسترش مبارزه مسلحانه کرده است. بنابراین حل تضاد بین کارگران و متحدینش (نیمه پرولترها و خرده بورژوازی شهر و روستا) با سرمایه داران (امپریالیست های ذینفع در ایران و سرمایه داران وابسته) در گرو پیروزی مبارزه مسلحانه توده ای طولانی، علیه دشمنان خلق خواهد بود.

۱۰- با توجه به قدرت دشمن و ضعف طبقه کارگر در آغاز نبرد مسلحانه اش، این طبقه همراه با متحدینش در مبارزه با دشمن، گام به گام توازن قوا را به نفع خود تغییر داده و پیروزی انقلاب را تضمین خواهد کرد.

۱۱- درک واقعیت فوق، وظایف انقلابی خاصی را در رابطه با امر انقلاب در مقابل پیشاهنگان کمونیست قرار می دهد. آنها باید آغازگر مبارزه مسلحانه باشند با این هدف که توده‌ها را به میدان چنین مبارزه‌ای کشانده و مبارزه مسلحانه‌ای توده‌ای در جامعه جاری سازند.

۱۲- پیشاهنگان کمونیست موظفند با انجام عملیات مسلحانه چه در شهر و چه در خارج از شهر علیه دشمن، زمینه را برای سازماندهی مسلح توده‌ها آماده کنند تا بتوانند در جریان یک جنگ توده‌ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم و هر نیروی پشتیبان آن، شرایط را برای متشکل شدن توده‌ها مهیا نمایند.

۱۳- تنها در بستر مبارزه مسلحانه، اشکال مختلف مبارزات توده‌ها زمینه رشد و ارتقاء یافته و کارگران و دیگر توده‌های تحت ستم امکان ایجاد تشکّل‌های صنفی و سیاسی خود را می یابند. همچنین در محیطی که این مبارزه به وجود می آورد، بسیج و سازماندهی توده‌ها جهت جنگ با دشمنانشان و تأمین رهبری طبقه کارگر بر کلّ مبارزات توده‌ها امکان پذیر می گردد.

۱۴- با اعتقاد بر این اصل مارکسیستی که بدون تشکیل حزب کمونیست (حزبی که وسیعاً با کارگران ارتباط داشته و با بردن اندیشه‌های سوسیالیستی در میان آنان، عناصر آگاه این طبقه را در خود متشکل کرده باشد)، طبقه کارگر نمی تواند پیروزی انقلاب را تضمین نماید. در جامعه ایران، تشکیل حزب کمونیست و تأمین رهبری طبقه کارگر بر کل جنبش توده‌های تحت ستم ایران در جریان جنگ خلق علیه نیروهای ضد خلق امکان پذیر خواهد بود.

۱۵- ما برای برپائی یک جامعه سوسیالیستی، جامعه‌ای که در آن اصل "از هر کس به اندازه توانائیش و به هر کس به اندازه کارش" حاکم خواهد بود، مبارزه می کنیم. هدف نهائی ما رسیدن به جامعه کمونیستی می باشد که بر پرچم آن نوشته شده: "از هر کس برحسب توانائی اش و به هر کس برحسب نیازهایش!"

شرایط کنونی و وظایف نیروهای انقلابی

۱- امروز که بیش از چهل سال است که هدایت قدرت دولتی از سوی امپریالیست‌های شرکت کننده در کنفرانس گوادلوپ (آمریکا، آلمان، فرانسه و انگلیس) به دار و دسته خمینی تفویض شده، جمهوری اسلامی به کانال اصلی سلطه امپریالیسم در ایران تبدیل گشته است.

۲- جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم سر سپرده به امپریالیسم و پیشبرنده سیاست‌های نهادهای استثمارگر امپریالیستی، برای تأمین منافع آنان و سرمایه داران وابسته ایران، با تکیه بر ارتش و ضمام خود چون سپاه پاسداران، بسیج، نیروی انتظامی و دیگر ارگان‌های مسلح خود، کشور را به زندان و شکنجه گاه بزرگی برای همه توده‌های رنج کشیده‌ی ما تبدیل نموده است.

۳- با توجه به بسط هر چه بیشتر مناسبات سرمایه داری در ایران که ویژگی آن وابستگی به امپریالیسم می باشد، طبقه کارگر، امروز به لحاظ کمی، طبقه پرجمعیتی را تشکیل می دهد و از لحاظ کسب آگاهی‌های طبقاتی نیز از رشد چشمگیری برخوردار شده است.

۴- در طول همه دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، کارگران، زحمتکشان، دهقانان و خرده بورژوازی شهر و روستا در مقابل این رژیم ایستادگی کرده و در شکل‌های مختلف بی وقفه علیه آن مبارزه کرده اند. استمرار و گستردگی مبارزات توده‌ها در حرکت‌های قهرآمیز آنها که با بی باکی و تهور ستایش انگیز به مراکز دشمن و به خصوص به مراکز سرکوب یورش می برند و همچنین بی هیچ واژه‌ای به رویارویی با نیروهای مسلح رژیم می پردازند و مستقیماً سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را فریاد می زنند، جلوه گر است. قیام دیمه ۱۳۹۶ و متعاقب آن قیام آبان ۱۳۹۸ که طی آن، نیروهای مسلح رژیم تنها پس از ارتکاب به قتل عام توده‌های انقلابی و به راه انداختن حمام خون در سراسر کشور قادر به سرکوب آنها شدند، دو نمونه برجسته از مبارزات قاطعانه کارگران و توده‌های ستمدیده ایران، برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می باشند.

۵- کارگران در مبارزات خود فریاد می زنند "از استثمار بیزارند"، یعنی آنها خواهان شرایطی هستند که در آن از استثمار و سرکوب خبری نباشد. کشاورزان خواهان حق آب و زمین و لغو باج‌های دولتی می‌باشند، زنان خواهان تساوی حقوق با مردان و رفع هر گونه ستم جنسیتی بر زن از جمله آزادی

پوشش هستند، خلق‌های تحت ستم خواهان برخورداری از حق تعیین سرنوشت خویش بوده و اقلیت‌های مذهبی خواهان آزادی عقیده می‌باشند، معلمان و پرستاران و بازنشستگان خواهان حقوقی مکفی که بتوان با آن به طور شایسته زندگی نمود هستند و غیره. اما تحقق همه این مطالبات منوط به نابودی سیستم سرمایه داری و قطع قطعی هر گونه سلطه امپریالیسم در ایران می باشد، امری که تنها با پیروزی یک انقلاب اجتماعی حاصل خواهد شد.

۶- هم تحلیل از ساختار اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران و هم تجربه مبارزات طولانی کارگران و دیگر توده‌های تحت ستم در رژیم جمهوری اسلامی، دالّ بر صحت این حقیقت است که در زیر سلطه حاکمیت مناسبات امپریالیستی موجود و اعمال دیکتاتوری عربان و عنان‌گسیخته‌ی ناشی از آن، امکان متشکل شدن کارگران و دیگر ستم‌دیدگان حتی در آرگان‌های صنفی خود وجود ندارد. اما از طرف دیگر، تجربه درخشان جریان مبارزه مسلحانه در گردستان در اوایل روی کار آمدن جمهوری اسلامی نشان داد که در پرتو مبارزه مسلحانه توده‌ای، امکان متشکل شدن کارگران و دهقانان و ستم‌دیدگان دیگر فراهم می گردد.

۷- با توجه به این که پیروزی انقلاب در ایران تنها با رهبری طبقه کارگر میسر است و کارگران در ایران تنها در مسیر یک جنگ توده‌ای طولانی امکان تشکل‌یابی و به دست گرفتن رهبری جنبش را پیدا خواهند کرد، سازمان ما (جریکهای فدائی خلق ایران) بر آن است که:

الف- در حال حاضر نیروهای جوان پیشرو که مُرکّب از کارگران آگاه و روشنفکران با آگاهی کمونیستی می باشند باید خود را در تشکل‌های سیاسی - نظامی سازمان دهند. انجام این مهم در درجه اول، تنها راه بقای یک تشکل انقلابی مخفی در ایران می باشد. در تجربه درخشان دهه پنجاه نشان داده شد که جز نیروهای متشکل در سازمان‌های سیاسی - نظامی هیچ نیروی سیاسی دیگری قادر به بقای خود نگردید. این تجربه در شرایط جامعه‌ی تحت دیکتاتوری امروز نیز صادق است.

ب- برای متشکل شدن در تشکل‌های سیاسی - نظامی می توان از تجربیات انقلابیون مسلح در دهه پنجاه بهره گرفت که با نیروی اندک و اسلحه‌های محدود و با حفظ مخفی کاری و رعایت شدید مسایل امنیتی، مبارزه مسلحانه خود را آغاز کردند. قطعاً چگونگی این امر در شرایط کنونی باید بر اساس شناخت عینی از شرایط مشخص امروز جامعه صورت گیرد. کوشش در این جهت باید به کسب آگاهی از امکانات موجود در جامعه برای پیشبرد مبارزه مسلحانه بیانجامد.

ج- چشم انداز و هدف مبارزه سیاسی - نظامی این تشکل‌ها باید وارد آوردن ضربات نظامی به دشمن و در این مسیر سازماندهی و بسیج توده‌ها برای پیشبرد مبارزه‌ی مسلحانه با سمت گیری به سوی یک جنگ توده‌ای علیه دشمنان باشد.

۸- در شرایط کنونی، قدم اول برای دست یابی به پیروزی، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. اما موقعی می توان پیروزی انقلاب را تضمین شده دانست که این سرنگونی به رهائی همه ستم‌دیدگان از اسارت امپریالیسم و سرمایه داران حاکم بر ایران منجر شود.

۹- ما برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری در ایران و برپایی نظام اقتصادی - سیاسی ای مبارزه می کنیم که در آن حق برخورداری از "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال از سلطه امپریالیست‌ها" تضمین شده باشد. نظامی که زنجیرهای سرکوب و اسارت را از پای کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان، خلق‌های تحت ستم و اقلیت‌های مذهبی گسیخته و تمام ثروت‌ها و منابع طبیعی و نیروی انسانی بیکران موجود در جامعه را در خدمت زندگی توأم با رفاه و آزادی توده‌ها به کار گیرد.

۱۰- با حاکم شدن نظام سرمایه داری وابسته در ایران بعد از رفرم‌های سال ۱۳۴۱، و با استمرار آن به خصوص تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، این نظام با چنان شدت و وسعتی رشد یافته است که امروز آشکارتر از هر وقت دیگر، مبارزه با سلطه امپریالیستی با مبارزه علیه سرمایه گره خورده و از این رو عناصر سوسیالیستی انقلاب هر چه بیشتر تقویت گشته اند. با در نظر گرفتن این فاکتور عینی از یک طرف و از طرف دیگر نیاز طبقه کارگر به اتحاد با نیروهای طبقاتی ای که منافع آنان با نابودی نظام سرمایه داری وابسته حاکم و قطع قطعی سلطه امپریالیسم در ایران تأمین می گردد، انقلاب

(دموکراتیک نوین) با خلع ید از بورژوازی وابسته، به طبقه کارگر امکان می دهد که به اعتبار هژمونی اش در قدرت سیاسی، در اولین فرصت، مرحله انقلاب سوسیالیستی را آغاز کند.

چاپ اول

دی ماه ۱۳۹۹